

مطالعه رفتار احتکار دیجیتال کارکنان سازمانها با تأکید بر نقش کمال گرایی ناسازگار و پشیمانی

پیش‌بینی‌شده

محمد صانعی^۱، مژگان بهرامی^{۲*}، ناصر خانی^۳.

۱- گروه مدیریت، موسسه آموزش عالی هشت بهشت، اصفهان، ایران.

۲- گروه مدیریت، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول). Mojgan.bahrami@iau.ac.ir

۳- گروه مدیریت، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
پرونده مقاله	
تاریخ ارسال	
۱۴۰۴/۰۵/۲۶	
تاریخ پذیرش	
۱۴۰۴/۰۹/۰۹	
(مقاله پژوهشی)	
	
	با پیشرفت فناوری و کاهش هزینه ذخیره‌سازی داده‌ها، افراد بیش از پیش به گردآوری و نگهداری انواع محتوای دیجیتال می‌پردازند. در حالی که خصوصیات روان‌شناختی احتکارکنندگان اموال فیزیکی تا حد زیادی شناخته شده است، درباره رفتار احتکار دیجیتال اطلاعات کمتری وجود دارد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر رفتار احتکار دیجیتال و نقش کمال‌گرایی ناسازگار و پشیمانی پیش‌بینی‌شده انجام گرفت. جامعه آماری کارکنان سازمان‌های دولتی اصفهان بودند و داده‌ها از ۲۰۴ نفر با پرسش‌نامه استاندارد جمع‌آوری و روایی و پایایی آن تأیید شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و SmartPLS نشان داد که ترس از دست دادن و وابستگی عاطفی به داده‌ها، تأثیر مثبت و معناداری بر احتکار دیجیتال دارند، اما مشکل دور انداختن داده‌ها، اضافه‌بار اطلاعات و خستگی تصمیم‌گیری به‌تنهایی رابطه معناداری نداشتند. با وارد کردن دو متغیر تعدیل‌گر کمال‌گرایی ناسازگار و پشیمانی پیش‌بینی‌شده تأثیر همه این عوامل بر احتکار دیجیتال تقویت شد. یافته‌ها نشان دادند که نگرانی از پشیمانی و گرایش به تصمیم‌گیری بی‌نقص نقشی اساسی در رفتار احتکار دیجیتال دارد و این رفتارها ناشی از اضطراب نسبت به حذف اطلاعات، ترس از دست دادن داده‌های احتمالی، و تردید مزمن در تصمیم‌گیری هستند و لزوم آموزش سواد دیجیتال و توسعه راهبردهای تصمیم‌گیری کارآمد را برجسته می‌سازد.
	کلمات کلیدی: احتکار دیجیتال، کمال‌گرایی ناسازگار، پشیمانی پیش‌بینی‌شده

مقدمه

در عصر فناوری اطلاعات، رشد اینترنت به‌عنوان یک سیستم اطلاعاتی سراسری منجر به شکل‌گیری دنیای مجازی و بدون مرز گردیده است؛ که در این دنیا محدودیت‌های زمانی و مکانی روز به روز کمرنگ‌تر می‌شوند. حذف اینگونه از محدودیت‌ها سبب سهولت استفاده و همچنین فراگیر شدن کاربردهای مختلف فناوری‌های وابسته به وب و در نتیجه تعدد کاربران استفاده‌کننده از جوانب مختلف این فناوری گردیده است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان تأثیر این فراگیری را در حوزه‌های مختلفی چون اقتصاد، سیاست، آموزش و مدیریت مورد تحلیل قرار داد (زارع محرابیه^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). فناوری اطلاعات، اینترنت، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر حجم بسیار زیادی از محتوای اطلاعاتی، سرگرمی و آموزشی را به خود اختصاص داده است. مثال‌های دیگر در این رابطه می‌تواند مواردی همچون دانش‌نامه‌ها، سایت‌های فیلم و سریال و همه موتورهای جستجو باشند (ثورپ^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

از سویی دیگر پلتفرم‌های ذخیره‌سازی دیجیتال ابزارهای مقرون به صرفه‌ای را برای افراد به منظور حفظ محتوای دیجیتالی خود ارائه می‌دهند. در نتیجه، مصرف‌کنندگان شروع به بایگانی داده‌های دیجیتال در پلتفرم‌های مختلف، از جمله: Google، Dropbox، OneDrive، Drive و دیگر پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی کرده‌اند. بنابراین، احتکار دیجیتال به عنوان یک پدیده جدید ظاهر شده است که با انباشت بیش از حد فایل‌ها یا داده‌های دیجیتال و امتناع از حذف آنها مشخص می‌شود (زارع محرابیه و همکاران، ۲۰۲۴). احتکار دیجیتال به این صورت تعریف شده است: انباشته شدن فایل‌های دیجیتال تا حدی که دست دادن دیدگاه، که در نهایت منجر به استرس و بی‌سازمانی می‌شود (ون بنکوم^۳ و همکاران، ۲۰۱۵).

در حالیکه بسیاری از تلاش‌های تحقیقاتی رفتار احتکار را بررسی کرده‌اند، هنوز تحقیقات عمیقی در مورد محرک‌های اساسی رفتار احتکار دیجیتال و اینکه چرا کاربران به احتکار دیجیتال زیاده‌روی می‌کنند، وجود ندارد (یاس^۴، ۲۰۱۷). با توجه به چشم‌انداز دیجیتالی که به سرعت در حال تحول است، نیاز فزاینده‌ای برای کشف رفتار احتکار دیجیتال وجود دارد. این نیاز ناشی از نگرانی‌های مربوط به مبانی روان‌شناختی پیچیده و تأثیر آن بر افراد در جامعه فناوری محور ما است (اوراوس^۵، ۲۰۱۸).

در میان جمعیت‌های مختلف در دنیای دیجیتال، کارمندان ادارات دولتی به عنوان یک گروه بسیار فعال ظاهر شده‌اند که از بسترهای دیجیتال برای برقراری ارتباطات اجتماعی و انجام فعالیت‌های اداری و شخصی استفاده می‌کنند. افراد درون سازمان‌ها به داده‌های زیادی دسترسی دارند، برای افرادی که تمایل به جمع‌آوری داده‌های دیجیتالی دارند و تمایلی به حذف آن ندارند، پتانسیل بیشتری برای ذخیره داده‌ها وجود دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از کارمندان ادارات در سازماندهی فایل‌های دیجیتالی خود با مشکل مواجه هستند و از حجم اطلاعاتی که به صورت الکترونیکی در دسترس هستند احساس ناراحتی می‌کنند. ذخیره بیش از حد و وسواس - گونه داده‌ها مشکلاتی را برای کارکنان سازمان‌ها ایجاد می‌کند. ذخیره بیش از حد داده‌ها می‌تواند به از بین رفتن زمان و تلاش کارکنان برای یافتن اطلاعات مورد نیاز منجر شود. این امر بهره‌وری را کاهش می‌دهد و کارکنان را از تمرکز بر وظایف اصلی باز می‌دارد. همچنین نگهداری از داده‌های بدون استفاده می‌تواند هزینه‌های اضافی برای سازمان ایجاد کند. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های ذخیره‌سازی، نگهداری و امنیت داده‌ها است. مشکلات امنیتی از دیگر مشکلات احتکار داده‌های دیجیتال است. ذخیره داده‌های تاریک (داده‌هایی که استفاده نمی‌شوند) می‌تواند به مشکلات امنیتی نیز منجر شود. این داده‌ها ممکن است به درستی محافظت نشوند و در صورت عدم نظارت کافی، آسیب‌پذیری سیستم را افزایش دهند. در نهایت احتکار و انباشتگی داده‌ها می‌تواند به سردرگمی و استرس در بین کارکنان منجر شود. این امر می‌تواند به کاهش رضایت شغلی و افزایش تنش بین همکاران منجر شود. عدم سازماندهی مناسب داده‌ها می‌تواند به مشکل عدم دسترسی به اطلاعات مورد نیاز منجر شود. این امر به ویژه در شرایطی که کارمندان به اطلاعات خاصی نیاز دارند و آن را پیدا نمی‌کنند، رخ می‌دهد. در نتیجه، مطالعه رفتار احتکار دیجیتالی کارمندان توجه روزافزونی را در فضاهای اداری به خود جلب کرده است (مک کلار و همکاران، ۲۰۲۴).

پژوهش حاضر با الگوگیری از مقالات زارع محرابیه و همکاران (۲۰۲۴)، وینوی^۶ و همکاران (۲۰۲۴) و نیاوه^۷ و همکاران (۲۰۱۹)، به بررسی تأثیر عوامل مختلف از جمله مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال، ترس از دست دادن، وابستگی عاطفی، اضافه بار اطلاعات و خستگی تصمیم‌گیری بر رفتارهای احتکار دیجیتال در کارکنان سازمانهای دولتی شهر اصفهان می‌پردازد. علاوه بر این، این مطالعه نقش کمال گرایی و همچنین با توجه به "تئوری پشیمانی"، نقش پشیمانی پیش‌بینی‌شده را به عنوان تعدیل‌گر بررسی می‌کند.

ضرورت مسأله

برای دستیابی به درک جامع تری از پدیده احتکار دیجیتال، بررسی عواملی که انباشت محتوای دیجیتال را تسهیل می کنند و مانع آن می شوند، ضروری است. هنوز تحقیقات عمیقی در مورد محرک های اساسی رفتار احتکار دیجیتال و اینکه چرا کاربران به احتکار دیجیتال زیاده روی می کنند، وجود ندارد. این نشان دهنده شکاف قابل توجهی در بدنه ادبیات موجود است و هدف این مطالعه پرداختن به این شکاف با بررسی علل رفتارهای احتکار دیجیتال کاربران است. تحقیقات نشان داده اند که احتکار دیجیتال می تواند به اضطراب و استرس منجر شود (تیمپانو^۸ و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به تغییرات سریع در رفتار مصرف کنندگان در دنیای دیجیتال، این تحقیق می تواند به تحلیل دقیق تر رفتار کاربران در فضای مجازی کمک کند و نتایج آن می تواند به فهم بهتر از چگونگی مدیریت اطلاعات و تصمیم گیری های مرتبط با آنها منجر شود. بررسی تأثیر پشیمانی پیش بینی شده بر رفتار احتکار دیجیتال می تواند به توسعه نظریه های موجود در زمینه رفتار مصرف کننده و روان شناسی اجتماعی کمک کند. افرادی که نگران از دست دادن اطلاعات هستند، بیشتر به احتکار دیجیتال روی می آورند، که این امر نیازمند بررسی دقیق تر است (برداخچیان^۹ و الله وردیان، ۲۰۲۳). این تحقیق می تواند به شناسایی الگوهای جدید رفتاری و عوامل مؤثر بر آنها منجر شود که برای پژوهشگران و دانشگاهیان ارزشمند خواهد بود.

از دیدگاه کاربردی و عملی نیز با توجه به اینکه کارمندان دستگاه های دولتی معمولاً با حجم بالایی از اطلاعات مواجه هستند، شناخت عواملی که موجب احتکار دیجیتال می شوند می تواند به مدیران کمک کند تا راهکارهایی برای مدیریت بهتر اطلاعات و کاهش رفتار احتکار دیجیتال مخصوصاً در محل کار ارائه دهند. این امر می تواند به افزایش کارآیی سازمان ها و کاهش استرس کارکنان منجر شود. نتایج این تحقیق می تواند به طراحی برنامه های آموزشی برای کارکنان کمک کند تا آنها را در مدیریت بهتر اطلاعات یاری دهد. با افزایش آگاهی درباره تأثیر کمال گرایی ناسازگار و پشیمانی پیش بینی شده بر رفتار احتکار دیجیتال، کارکنان می توانند استراتژی های مؤثرتری برای مدیریت اطلاعات خود اتخاذ کنند.

اختلال احتکار

اختلال احتکار^{۱۰} یک اختلال روانشناختی است که به طور عمده با جمع آوری و نگهداری غیر ضروری ارقام مشخص می شود. این اختلال به افراد اجازه نمی دهد تا از اشیاء خود جدا شوند، حتی اگر این اشیاء ارزش کمی داشته باشند یا به هیچ وجه کاربردی نباشند (تولین^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۰). انواع مختلفی از احتکار وجود دارد از جمله جمع آوری اشیاء مختلف، زباله، اطلاعات، حیوانات، و حتی مواد غذایی، که نشان دهنده وابستگی عاطفی و روانی افراد به ارقام مختلف است. عوامل مختلفی نیز بر رفتار احتکار موثر هستند که آنها را به اختصار در جدول ۱ ارایه کرده ایم.

جدول ۱: عوامل مؤثر بر رفتار احتکار

منبع	عوامل مؤثر بر رفتار احتکار	توضیحات
ووهس ^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۸)	خستگی تصمیم‌گیری	خستگی ناشی از اتخاذ تصمیمات مکرر می‌تواند منجر به انباشت کالاها و اطلاعات شود.
استوبر ^{۱۳} و اتو (۲۰۰۶)	کمال‌گرایی ناسازگار	افراد با کمال‌گرایی ناسازگار تمایل دارند تا همه چیز را کامل داشته باشند و از این رو احتکار می‌کنند.
زلنبرگ ^{۱۴} (۱۹۹۹)	پشیمانی پیش‌بینی شده	نگرانی درباره احساس پشیمانی در آینده می‌تواند افراد را به سمت احتکار کالاها سوق دهد.
تورل ^{۱۵} و سرنکو (۲۰۱۲)	اضطراب و استرس	احساس اضطراب و استرس می‌تواند منجر به رفتار احتکار به عنوان یک مکانیزم مقابله‌ای شود.
کیم ^{۱۶} و کیم (۲۰۲۰)	تمایل به کنترل	افراد ممکن است برای حفظ احساس کنترل بر محیط خود، اقدام به احتکار کالاها کنند.
سیالدینی ^{۱۷} و همکاران (۱۹۹۰)	عوامل اجتماعی و فرهنگی	فشارهای اجتماعی و فرهنگی می‌توانند بر رفتار احتکار تأثیر بگذارند، مانند انتظارات جامعه.
وانسینک ^{۱۸} و همکاران (۲۰۰۷)	تجربیات گذشته	تجربیات قبلی در خرید و انباشت کالاها می‌تواند بر رفتار فعلی افراد تأثیر بگذارد.
هوانگ ^{۱۹} و ژانگ (۲۰۱۸)	تأثیر رسانه‌های اجتماعی	تبلیغات و محتوای رسانه‌های اجتماعی می‌تواند تمایل به احتکار را افزایش دهند.
کان ^{۲۰} و آیسن (۱۹۹۳)	عوامل اقتصادی	شرایط اقتصادی مانند بحران‌ها یا نوسانات بازار می‌تواند باعث احتکار کالاها شوند.
راقاناتان ^{۲۱} و ایروین (۲۰۰۱)	عدم اطمینان در آینده	عدم اطمینان درباره آینده اقتصادی یا اجتماعی می‌تواند منجر به احتکار کالاها شود.

جدول ۱ نشان می‌دهد که این پدیده یک مشکل پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل مختلف روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تمایل افراد به احتکار کالاها و اطلاعات تأثیر می‌گذارند.

رفتار احتکار دیجیتال

نحوه تعامل افراد با اطلاعات، برقراری ارتباط و ذخیره محتوای شخصی به دلیل رشد سریع فناوری دیجیتال و استفاده گسترده از دستگاه‌های دیجیتال به‌طور چشم‌گیری تغییر کرده است (احمد^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۹) و پدیده‌ای متمایز به نام «احتکار دیجیتال^{۲۳}» در چشم‌انداز دیجیتالی معاصر ظاهر شده است که با تجمع بیش از حد فایل‌ها یا داده‌های دیجیتال و امتناع از حذف آن‌ها همراه است که منجر به ایجاد فضاهای دیجیتالی به‌هم ریخته و نامنظم می‌شود (مک کلار و همکاران، ۲۰۲۰). احتکار دیجیتال به این صورت تعریف شده است: «دستیابی و عدم حذف محتوای دیجیتال، که منجر به انباشته شدن و آشفتگی دیجیتالی می‌شود» (صدرا و همکاران، ۲۰۲۲). ادبیات نوپا در مورد رفتارهای احتکار دیجیتال، انگیزه‌ها و پیامدهای منفی بالقوه از جمله کاهش بهره‌وری و احساس اضطراب در رابطه با انباشت داده‌ها را بررسی کرده است (ویتالی^{۲۴} و همکاران، ۲۰۱۸). مک کلار و همکاران، (۲۰۲۰) با کارکنان در مورد شیوه‌های مدیریت داده‌هایشان مصاحبه کردند و چهار عامل اصلی احتکار دیجیتال در محل کار را یافتند: اضطراب، تبعیت، عدم مشارکت و جمع‌آوری. در میان جمعیت‌های مختلف دنیای دیجیتال، دانشجویان دانشگاه به‌عنوان یک گروه بسیار فعال ظاهر شده‌اند که از بسترهای دیجیتال برای شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های علمی و شخصی استفاده می‌کنند (پانگ^{۲۵} و همکاران، ۲۰۲۲). نترمن^{۲۶} و زازا (۲۰۱۹)، دریافتند که ۴۹ درصد از دانشجویان دانشگاه در سازماندهی فایل‌های دیجیتالی خود با مشکل مواجه بوده و از حجم اطلاعاتی که به صورت آنلاین در دسترس هستند احساس ناراحتی می‌کنند. کارمندان ادارت دولتی نیز به‌عنوان یک گروه بسیار فعال شناسایی شده‌اند که از بسترهای دیجیتال برای برقراری ارتباطات اجتماعی و انجام فعالیت‌های اداری و شخصی استفاده می‌کنند. مطالعات نیاوه و همکاران (۲۰۱۹)، که بر رفتارهای احتکار دیجیتال در محل کار متمرکز شده‌اند دریافتند کارکنان هزاران ایمیل را در صندوق‌های ورودی و پوشه‌های بایگانی شده نگهداری می‌کنند و برخی از کارکنان گزارش داده‌اند که هرگز ایمیلی را حذف نکرده‌اند.

بررسی عوامل مؤثر بر رفتار احتکار دیجیتال

احتکار دیجیتال به نگهداری بیش از حد فایل‌ها، عکس‌ها و اطلاعات در دستگاه‌های الکترونیکی اشاره دارد. رفتار احتکار دیجیتال به‌طور فزاینده‌ای در دنیای مدرن به یک چالش تبدیل شده است، و شناخت عوامل مؤثر بر آن می‌تواند به توسعه راهبردهای مؤثری برای مدیریت این رفتار کمک کند. این رفتار می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گیرد که در زیر به تفصیل شرح داده شده است:

جدول ۲: عوامل مؤثر بر رفتار احتکار دیجیتال

منبع	عامل مؤثر بر رفتار احتکار دیجیتال	توضیحات
ووهِس و همکاران (۲۰۰۸)	خستگی تصمیم‌گیری	خستگی ناشی از اتخاذ تصمیمات مکرر می‌تواند منجر به انباشت اطلاعات و فایل‌های دیجیتال شود.
(مکای ^{۲۷} و کندی، ۲۰۱۸)	ژنتیک	وجود سابقه خانوادگی اختلال احتکار می‌تواند خطر ابتلا به این رفتار را افزایش دهد.

تورل و سرنکو، (۲۰۱۲)	مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال	ناتوانی در حذف یا دور انداختن فایل‌ها و اطلاعات غیرضروری می‌تواند منجر به انباشت اطلاعات شود.
(ماتیاس کولز ^{۲۸} ، ۲۰۱۴)	مشکلات در پردازش اطلاعات	ناتوانی در سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی می‌تواند بر رفتار احتکار تأثیر بگذارد.
(کسلر ^{۲۹} و همکاران، ۲۰۰۵)	ترس از دست دادن اطلاعات	ترس از فقدان اطلاعات مهم باعث می‌شود افراد به نگهداری فایل‌ها ادامه دهند.
(استکتی ^{۳۰} و فراست، ۲۰۰۳)	تنهایی و انزوا	زندگی کردن به تنهایی ممکن است باعث ایجاد وابستگی به اشیاء و اطلاعات دیجیتال شود.
(تورل و سرنکو، ۲۰۱۲)	مشکلات در سازماندهی	ناتوانی در سازماندهی و مدیریت اطلاعات می‌تواند منجر به انباشت فایل‌ها و داده‌ها شود.
(راقاناتان و ایروین، ۲۰۰۱)	عدم اطمینان در آینده	عدم اطمینان درباره آینده اقتصادی یا اجتماعی می‌تواند منجر به احتکار اطلاعات شود.
(استویر و اتو، ۲۰۰۶)	کمال‌گرایی ناسازگار	افراد با کمال‌گرایی ناسازگار تمایل دارند تا همه چیز را کامل داشته باشند و از این رو به احتکار دیجیتال روی می‌آورند.
(تورل و سرنکو، ۲۰۱۲)	اضطراب و استرس	احساس اضطراب و استرس می‌تواند منجر به رفتار احتکار به عنوان یک مکانیزم مقابله‌ای شود.

جدول ۲ به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار احتکار دیجیتال می‌پردازد که هر یک از این عوامل به نوعی با جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی، و همچنین شرایط اقتصادی مرتبط هستند.

در مجموع، شناخت این عوامل مؤثر بر رفتار احتکار دیجیتال ضروری است تا بتوان راهبردهای مؤثر، برای مدیریت این رفتار را توسعه داد. با توجه به پیچیدگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با احتکار دیجیتال، تحقیق حاضر به بررسی تأثیر ترس از دست دادن، خستگی تصمیم‌گیری، وابستگی عاطفی، اضافه بار اطلاعات و مشکل دورانداختن محتوای دیجیتال بر رفتار احتکار دیجیتال می‌پردازد.

مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال

مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال^{۳۱} به چالش‌های روان‌شناختی و فناورانه‌ای اشاره دارد که افراد در حذف یا مدیریت داده‌های دیجیتالی ذخیره‌شده با آن مواجه می‌شوند. این پدیده تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد که در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند (زارع محزاییه و همکاران، ۲۰۲۴).

۱- ترس از دست دادن

ترس از دست دادن^{۳۲} یک پدیده روان‌شناختی است و زمانی اتفاق می‌افتد که افراد احساس کنند تجربیاتی را که دیگران از آنها لذت می‌برند را از دست می‌دهند، به‌ویژه زمانی که این تجربیات برتر از تجربیات خودشان تلقی شوند (نومن^{۳۳}، ۲۰۲۰). در زمینه رفتار احتکار دیجیتال، ترس از دست دادن حالت احساسی را نشان می‌دهد که افراد را وادار به جمع‌آوری محتوای دیجیتال به دلیل ترس از دست دادن اطلاعات مهم می‌کند (تاندون^{۳۴} و همکاران، ۲۰۲۱). یک نظرسنجی بین ۵۵۶ کاربر شبکه‌های اجتماعی در چین نشان داد

که ترس از دست دادن به عنوان یک عامل میانجی در رابطه بین مقایسه خود با دیگران در سایت های شبکه های اجتماعی و مشارکت در رفتار احتکار دیجیتال عمل می کند (ما^{۳۵} و همکاران، ۲۰۲۲).

۲- وابستگی عاطفی

وابستگی عاطفی^{۳۶} شامل احساسات و باورهای ما در مورد دارایی هایمان می شود، که نقش مهمی در رشد و تداوم رفتار احتکار دارد (یاب^{۳۷} و گریشام، ۲۰۱۹). وابستگی عاطفی پاسخ های احساسی افراد به دارایی هایشان است که شامل تجربه لذت، احساس غرور یا مواجهه با احساساتی مانند غم، اضطراب و از دست دادن است (ثورپ و همکاران، ۲۰۱۹). در مطالعه ای که توسط سویتن و همکاران، (۲۰۱۸) انجام شد؛ رفتار احتکار دیجیتال ۴۳ نفر مورد بررسی قرار گرفت و ناراحتی عاطفی ناشی از حذف را مرتبط با رفتار احتکار دانست. مطالعه دیگری که شامل ۱۰۱ کاربر پیترست بدون مشکل احتکار بالینی بود، کشف کرد که وابستگی عاطفی به اقلام الکترونیکی نقشی در رابطه بین شدت رفتار احتکار و میزان ناراحتی افراد در هنگام جدا شدن از دارایی های دیجیتال خود دارد (لکسون و همکاران، ۲۰۱۹).

اضافه بار اطلاعات

اضافه بار اطلاعات^{۳۸} زمانی اتفاق می افتد که افراد در معرض حجم زیادی از اطلاعات قرار می گیرند که از ظرفیت آنها برای پردازش و مدیریت کارآمد فراتر می رود (تاندوک^{۳۹} و همکاران، ۲۰۲۳). این سیل داده ها اغلب کار سازماندهی و مدیریت اطلاعات دریافتی را پیچیده می کند. در نتیجه، افراد ممکن است به جمع آوری محتوای دیجیتال متوسل شوند، رفتاری که رفتار احتکار دیجیتال نامیده می شود.

۳- خستگی تصمیم گیری

خستگی تصمیم گیری^{۴۰} ایده ای است که به طور گسترده در زمینه روانشناسی سلامت پذیرفته شده است. خستگی تصمیم گیری از این باور ناشی می شود که فعالیت های طولانی مدت می تواند منجر به استرس و خستگی شود (مسکوت^{۴۱} و همکاران، ۲۰۲۳). خستگی تصمیم، همانطور که توسط مسکوت و همکاران، (۲۰۲۳) توضیح داده شده است به کاهش توانایی در گرفتن بهترین تصمیمات با گذشت روز اشاره دارد. تحقیقات نشان داده است که افرادی که سطوح بالایی از تهی شدن نفس را تجربه می کنند، تمایل دارند در فرآیندهای تفکر سطحی شرکت کنند، مشابه آنچه در احتکار کنندگان دیجیتال مشاهده می شود که فایل های دیجیتالی متعددی را بدون در نظر گرفتن ارزش آنها جمع آوری می کنند (فا^{۴۲} و سان، ۲۰۲۳).

با توجه به مباحث مطرح شده، فرضیه های زیر مطرح شد.

فرضیه ۱: مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال دارد.

فرضیه ۲: ترس از دست دادن اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال دارد.

فرضیه ۳: وابستگی عاطفی اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال دارد.

فرضیه ۴: اضافه بار اطلاعات اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال دارد.

فرضیه ۵: خستگی تصمیم گیری اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال دارد.

در رابطه بین عوامل فوق و رفتار احتکار، تحقیق حاضر نقش تعدیلگر دو متغیر پشیمانی پیش‌بینی و کمال‌گرایی شده را نیز بررسی خواهد کرد که ادبیات آنها در ادامه ارایه می‌شود.

پشیمانی پیش‌بینی‌شده

تئوری پشیمانی^{۴۳} مدلی در اقتصاد نظری است که توسط لومز^{۴۴} و ساگدن، (۱۹۸۲) توسعه یافت. نظریه پشیمانی یک سوگیری شناختی است که به عنوان تصمیمی برای پرهیز از پشیمانی از یک تصمیم رخ می‌دهد. این نظریه بیان می‌کند که افراد نه تنها به نتیجه نهایی یک انتخاب بلکه به این نیز توجه می‌کنند که اگر گزینه دیگری را انتخاب می‌کردند چه نتیجه‌ای به دست می‌آوردند. به عبارت دیگر، افراد ممکن است از انتخاب خود پشیمان شوند، اگر متوجه شوند که گزینه دیگری می‌توانست نتیجه بهتری برایشان رقم بزند. بر اساس تیوری پشیمانی، یکی از انگیزه‌های اصلی افراد برای ذخیره همین است که نکنند در آینده به آن چیز نیاز پیدا کنند و به خاطر دور ریختن یا نخریدن آن احساس پشیمانی کنند. از این رو پیش‌بینی پشیمانی نقش کلیدی در تصمیم به نگهداری یا خرید افراطی و احتکار ایفا می‌کند

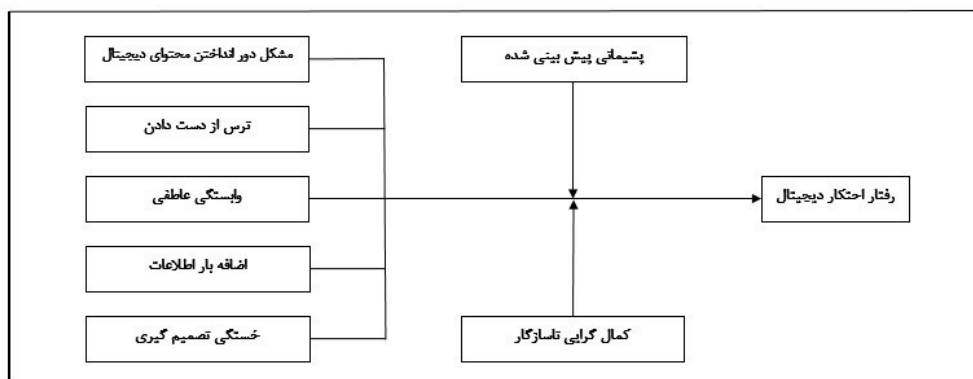
۴- کمال‌گرایی ناسازگار

کمال‌گرایی^{۴۵} یک ویژگی شخصیتی است که با تعیین استانداردهای بالا برای خود مشخص می‌شود (یانگ^{۴۶} و همکاران، ۲۰۲۱). کمال‌گرایی ناسازگار یا کمال‌گرایی منفی، به یک نوع گرایش روانی اشاره دارد که فرد برای خود یا دیگران استانداردهای بسیار بالا و گاه غیرواقع‌بینانه تعیین می‌کند و بیش از حد روی اشتباهات و شکست‌ها تمرکز می‌کند. این افراد معمولاً فکر می‌کنند هر چیزی باید کاملاً بی‌نقص باشد و اگر کوچک‌ترین نقص یا اشتباهی رخ داد، ارزش آن کار از بین می‌رود یا اصلاً ارزشی ندارد. در عصر دیجیتال امروزی، افرادی که تمایلات کمال‌گرایی ناسازگارانه دارند، به احتمال زیاد رفتارهای احتکارکننده را به صورت آنلاین از خود نشان می‌دهند. آنها ممکن است به دارایی‌های دیجیتال خود اهمیت بیش از حد بدهند و حذف فایل‌ها یا رها کردن آنها را برایشان سخت کند و در نتیجه فضای دیجیتالی به هم ریخته‌ای ایجاد شود.

فرضیه ۶: پشیمانی پیش‌بینی شده روابط بین ترس از دست دادن، دلبستگی عاطفی، اضافه بار اطلاعاتی، خستگی تصمیم‌گیری، مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال و رفتار احتکار دیجیتال کارمندان را تعدیل می‌کند.

فرضیه ۷: کمال‌گرایی ناسازگار روابط بین ترس از دست دادن، دلبستگی عاطفی، اضافه بار اطلاعاتی، خستگی تصمیم‌گیری، مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال و رفتار احتکار دیجیتال کارمندان را تعدیل می‌کند.

با توجه به مباحث مطرح شده مدل مفهومی تحقیق حاضر در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق منبع: زارع محزاییه و همکاران (۲۰۲۴)، وینوی و همکاران (۲۰۲۴) و نیاوه و همکاران، (۲۰۱۹)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی است و از نظر اجرا توصیفی، همبستگی، میدانی و پیمایشی بوده و به صورت مقطعی صورت گرفته است، همچنین از نظر جمع آوری داده ها و آزمون فرضیه ها، داده های جمع آوری شده به صورت کمی تحلیل شده اند. جامعه آماری تحقیق را کارمندان دستگاه های دولتی شهر اصفهان تشکیل داده اند. آمار رسمی مبنی بر تعداد کارمندان دستگاه های دولتی شهر اصفهان بدست نیامد. از این رو بزرگترین عدد جدول گرجسی و مورگان یعنی ۳۸۵ نفر به عنوان تعداد نمونه در نظر گرفته شد. از آن جایی که در هر پژوهشی، استفاده از روش ابزاری و کتابخانه ای اجتناب ناپذیر است، از این رو در پژوهش حاضر نیز جهت کسب اطلاعات مرتبط با مباحث پژوهش از روش های متعددی مانند جستجوی اینترنت، کتاب ها، مقالات داخلی و بین المللی و پایان نامه ها و جهت گردآوری داده های مربوط به متغیرهای تحقیق از پرسش نامه های استاندارد بهره گرفته است. پرسش های مربوط به متغیرهای کمال گرایی ناسازگار، اضافه بار اطلاعات، خستگی تصمیم گیری، وابستگی عاطفی و ترس از دست دادن، از پرسش نامه استاندارد شده توسط زارع محزاییه و همکاران (۲۰۲۴)، متغیر پشیمانی پیش بینی شده از پرسشنامه استاندارد شده توسط وینوی و همکاران، (۲۰۲۴) و همچنین متغیر مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال از پرسش نامه استاندارد شده توسط نیاوه و همکاران، (۲۰۱۹) استفاده شد. روایی و پایایی پیش آزمون بررسی و تایید شد، سپس با بهره گیری از پرسشنامه الکترونیکی، تعداد ۲۰۴ داده به صورت غیراحتمالی در دسترس جمع آوری شد. معیار ورود کارکنان به تحقیق تمایل به پاسخ دهی به سوالات پرسشنامه و کار با داده ها و داشتن رفتار تمایل به سیو و ذخیره سازی هر نوع داده ای بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها آمار توصیفی (با کمک نرم افزار SPSS) و آمار استنباطی (نرم افزار PLS-SEM) (مدل سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی)) بررسی شد.

یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی داده ها

جدول ۳ توزیع درصد میزان نوع اطلاعات ذخیره شده

نوع اطلاعات ذخیره شده	فراوانی	درصد	نوع اطلاعات ذخیره شده	فراوانی	درصد

سند اداری	۵۴	۲۶.۴۷	مطالب علمی و آموزشی	۷۸	۳۸.۲۴
عکس	۱۶۱	۷۸.۹۲	ایمیل	۵۰	۲۴.۵۱
فیلم	۱۲۰	۵۸.۸۲	پیامک	۹۰	۴۴.۱۲
موسیقی	۱۰۹	۵۳.۴۳	شماره تلفن	۱۲۷	۶۲.۲۵
کتاب	۶۰	۲۹.۴۱	اپلیکیشن	۶۸	۳۳.۳۳
سند شخصی	۸۱	۳۹.۷۱	اخبار و اطلاعیه‌ها	۵۷	۲۷.۹۴
سایت	۵۰	۲۴.۵۱	بازی و سرگرمی	۵۵	۲۶.۹۶
تبلیغات	۲۳	۱۱.۲۷	مطالب علمی و آموزشی	۷۸	۳۸.۲۴

بررسی درصدهای مربوط به نوع اطلاعات ذخیره‌شده، نشان می‌دهد که کاربران تمایل بیشتری به نگهداری اطلاعات شخصی، عاطفی و روزمره دارند. ذخیره‌سازی عکس‌ها با ۷۸.۹۲٪ در صدر قرار دارد، که نشان‌دهنده نقش مهم تصاویر در حافظه دیجیتال و هویت شخصی کاربران است. این درصد بالا معمولاً به بار احساسی عکس‌ها و پیوند آن‌ها با خاطرات، روابط و تجربه‌های زیسته مربوط می‌شود. فیلم‌ها (۵۸.۸۲٪) و موسیقی (۵۳.۴۳٪) نیز در زمره محتوای تفریحی و عاطفی قرار می‌گیرند و نشان می‌دهند که کاربران فضای دیجیتال را نه فقط برای ذخیره داده‌های کاربردی، بلکه برای حفظ احساس و سرگرمی استفاده می‌کنند. شماره تماس‌ها (۶۲.۲۵٪) به عنوان داده‌های ارتباطی حیاتی، بیانگر نگرش کاربران به اطلاعات با ارزش کاربردی مداوم است. در مقابل، پیامک‌ها (۴۴.۱۲٪) نیز با وجود قدیمی شدن نسبی به عنوان بخشی از ارتباطات بین فردی نگهداری می‌شوند که نشان‌دهنده نقش عاطفی یا اسنادی آن‌ها برای برخی کاربران است. در رده‌های میانی، اطلاعاتی نظیر مطالب علمی (۳۸.۲۴٪)، اسناد شخصی (۳۹.۷۱٪)، اپلیکیشن‌ها (۳۳.۳۳٪) و کتاب‌های دیجیتال (۲۹.۴۱٪) قرار دارند که سهم قابل توجهی دارند ولی همچنان کمتر از محتوای عاطفی و رسانه‌ای هستند. این موضوع بیانگر آن است که داده‌های دانشی یا کاربردی کمتر از داده‌های احساسی در ذهن کاربران اولویت دارند. در مقابل، اطلاعاتی همچون سند اداری (۲۶.۴۷٪)، سایت‌ها و ایمیل‌ها (هر دو ۲۴.۵۱٪) و تبلیغات (۱۱.۲۷٪) کمترین فراوانی را دارند. این درصدهای پایین نشان می‌دهند که کاربران این نوع داده‌ها را یا گذرا می‌دانند یا فاقد ارزش نگهداری می‌دانند. چنین رفتاری حاکی از نوعی فیلتر ذهنی نسبت به داده‌های رسمی، تکراری یا سازمانی است.

در مجموع، درصدهای به دست آمده گویای آن‌اند که الگوی ذخیره‌سازی کاربران بیشتر هیجانی و کاربردی است تا ساختاریافته یا حرفه‌ای. این نتایج برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده دیجیتال اهمیت دارد، چراکه نشان می‌دهد در طراحی خدمات ذخیره‌سازی یا پاک‌سازی، باید به ارزش ذهنی داده‌ها از نگاه کاربر و نه از منظر فنی توجه شود.

جدول ۴: توزیع درصد منبع ذخیره سازی

منبع ذخیره سازی	فراوانی	درصد	منبع ذخیره سازی	فراوانی	درصد
موبایل شخصی	۱۸۸	۹۲.۱۶	کارت حافظه	۴۷	۲۳.۰۴
موبایل اداری	۹	۴.۴۱	سی دی	۱۴	۶.۸۶
کامپیوتر شخصی	۹۱	۴۴.۶۱	فلش مموری	۵۷	۲۷.۹۴
کامپیوتر اداری	۲۸	۱۳.۷۳	هارد جانبی	۵۵	۲۶.۹۶

نتایج جدول نشان می دهد موبایل شخصی با ۹۲.۱۶ درصد پر کاربردترین ابزار ذخیره سازی است که نشان دهنده تمایل شدید کاربران به استفاده از ابزارهای قابل حمل، در دسترس و شخصی در مدیریت اطلاعات دیجیتال است. کامپیوتر شخصی (۴۴.۶۱ درصد) در رتبه دوم قرار دارد، اما فاصله قابل توجهی با موبایل دارد. ابزارهای اداری مانند کامپیوتر و موبایل سازمانی به مراتب کمتر استفاده شده اند که این موضوع از مرزبندی اطلاعاتی میان حوزه های شخصی و شغلی حکایت دارد. در میان منابع فیزیکی، فلش مموری و هارد اکسترنال با حدود ۲۷ درصد سهم، همچنان محبوب اند و نشان می دهند کاربران برای ذخیره سازی امن تر یا پشتیبان، به ابزارهای سنتی نیز متکی هستند. کارت حافظه (۲۳ درصد) نیز جایگاه خود را حفظ کرده، اما استفاده از CD (۶.۸۶ درصد) به وضوح در حال حذف شدن از چرخه مصرف است. به طور کلی، یافته ها حاکی از آن است که گرایش غالب به سوی ابزارهای شخصی، سیار و دیجیتالی شده است و الگوی مصرف کاربران با روند جهانی افزایش وابستگی به گوشی های هوشمند و کاهش استفاده از ابزارهای ذخیره سازی سنتی هماهنگ است. این نتایج زمینه ساز تحلیل رفتارهای احتکار دیجیتال در بسترهای مختلف می باشند.

• جدول ۵: توزیع درصد عامل مؤثر در مدت زمان ذخیره سازی

عامل مؤثر در مدت زمان ذخیره سازی	فراوانی	درصد	عامل مؤثر در مدت زمان ذخیره سازی	فراوانی	درصد
امکان دسترسی مجدد	۱۰۴	۵۰.۹۸	فضای ذخیره سازی	۷۴	۳۶.۲۷
قیمت فایل	۲۶	۱۲.۷۵	تعداد فایل های موجود	۲۴	۱۱.۷۶
کیفیت فایل	۴۷	۲۳.۰۴	حجم فایل	۵۹	۲۸.۹۲
اهمیت فایل	۱۳۴	۶۵.۶۹	کاربرد بودن فایل	۱۰۳	۵۰.۴۹

نتایج جدول نشان می دهد که مهم ترین عامل در تصمیم گیری کاربران برای مدت زمان نگهداری فایل ها، اهمیت ذهنی فایل (۶۵.۶۹٪) است. این درصد بالا نشان می دهد که کاربران ذخیره سازی داده را نه صرفاً بر مبنای معیارهای فنی یا حجمی، بلکه بر اساس ادراک ذهنی از ارزش یا جایگاه فایل ها در زندگی شخصی یا شغلی خود انجام می دهند. این یافته با مفهوم «ارزش ادراک شده» در رفتار مصرف کننده کاملاً هم راستا است.

در جایگاه‌های بعدی، امکان دسترسی مجدد (۵۰.۹۸٪) و کاربردی بودن فایل (۵۰.۴۹٪) قرار دارند. این دو عامل نشان می‌دهند که کاربرانی که نگران نیاز آینده به اطلاعات هستند یا فایل‌ها را از نظر عملکردی ارزشمند تلقی می‌کنند، تمایل بیشتری به نگهداری طولانی‌مدت دارند. این الگو با نظریه «پشیمانی پیش‌بینی‌شده» نیز تطبیق دارد که در آن، افراد برای اجتناب از پشیمانی، تصمیم به نگهداری می‌گیرند. فضای ذخیره‌سازی (۳۶.۲۷٪) و حجم فایل (۲۸.۹۲٪) در رتبه‌های میانی قرار دارند که نشان می‌دهد بخشی از کاربران نیز به ملاحظات فنی و محدودیت‌های منابع دیجیتال در تصمیم‌گیری خود توجه دارند، اما این عوامل نقش ثانویه نسبت به عوامل ذهنی و روان‌شناختی ایفا می‌کنند. کیفیت فایل (۲۳.۰۴٪) نیز به عنوان عامل مؤثر گزارش شده است، که بیانگر آن است که کاربران تمایل دارند فایل‌هایی با وضوح، دقت یا سطح حرفه‌ای بالاتر را برای مدت طولانی‌تری نگهداری کنند. این مسئله در مورد محتوای تصویری، ویدیویی یا فایل‌های رسمی اهمیت بیشتری دارد. در مقابل، قیمت فایل (۱۲.۷۵٪) و تعداد فایل‌های مشابه (۱۱.۷۶٪) کمترین نقش را در تصمیم‌گیری کاربران دارند. این یافته نشان می‌دهد که کاربران در محیط دیجیتال، برخلاف محیط خرید فیزیکی، معیار هزینه یا وفور داده را عامل اصلی نگهداری نمی‌دانند و بیشتر بر ارزش استفاده، اهمیت شخصی یا کاربرد آینده تمرکز می‌کنند.

در مجموع، تحلیل درصدهای به‌دست آمده نشان می‌دهد که الگوی نگهداری اطلاعات در ذهن کاربران بیشتر مبتنی بر ارزش ذهنی، کارکردی و احساسی فایل‌هاست تا عوامل فنی یا مالی. این یافته می‌تواند به‌طور مستقیم در طراحی سیستم‌های مدیریت اطلاعات، پیشنهاد حذف یا دسته‌بندی فایل‌ها، و حتی طراحی الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که درک معیارهای واقعی کاربران برای نگهداری، شرط موفقیت در ارائه راهکارهای دیجیتال کاربرمحور است.

ب) تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

در بخش آمار استنباطی ابتدا برازش مدل اندازه‌گیری بررسی شد. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد. نتایج در جدول ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول ۶: آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی؛ روایی همگرا و بار عاملی

کمال گرایی ناسازگار	پشیمانی پیش‌بینی شده	وابستگی عاطفی	مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال	رفتار احتکار دیجیتال	خستگی تصمیم‌گیری	ترس از دست دادن	اضافه بار اطلاعات
۰/۸۴۰	۰/۶۸۵	۰/۸۹۲	۰/۹۱۹	۰/۷۷۴	۰/۷۹۳	۰/۷۵۶	۰/۷۶۰
۰/۸۸۵	۰/۸۲۷	۰/۹۲۵	۰/۹۴۸	۰/۸۴۵	۰/۸۶۳	۰/۸۴۵	۰/۸۴۵
۰/۶۰۶	۰/۶۱۹	۰/۷۵۵	۰/۸۶۰	۰/۵۲۳	۰/۶۱۳	۰/۵۷۸	۰/۵۷۸
-	۰/۷۶۱	-	-	-	-	-	-
-	۰/۸۰۷	-	-	-	-	-	-
	۰.۶۲۴						
	۰.۸۵۳						

AR							۰.۸۵۹	
DF			۰.۸۴۰					
DF			۰.۷۵۶					
DF			۰.۷۳۷					
DF			۰.۷۹۴					
DHB				۰.۷۴۰				
DHB				۰.۷۴۴				
DHB				۰.۶۲۵				
DHB				۰.۷۵۲				
DHB				۰.۷۴۷				
DP					۰.۹۲۲			
DP					۰.۹۳۷			
DP					۰.۹۲۲			
ED						۰.۸۳۴		
ED						۰.۸۴۵		
ED						۰.۸۸۰		
ED						۰.۹۱۴		
FL		۰.۷۹۱						
FL		۰.۷۴۹						
FL		۰.۶۶۹						
FL		۰.۸۲۴						
IO	۰.۶۹۳							
IO	۰.۷۰۷							
IO	۰.۸۳۰							
IO	۰.۸۰۱							
IP								۰.۷۳۷
IP								۰.۷۶۱
IP								۰.۷۸۲
IP								۰.۸۱۵
IP								۰.۷۹۴

همان‌طور که در جدول نشان داده شده است، نتایج مربوط به آلفای کرونباخ و همچنین مقدار معیار میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده (AVE) همه متغیرها به جز پیشمانی پیش‌بینی شده بیشتر از ۰.۷ و شاخص پایایی ترکیبی همه‌ی متغیرها بیشتر از ۰.۷ است. به‌منظور بهبود برازش مدل اندازه‌گیری، گویه AR1 از متغیر «پیشمانی پیش‌بینی‌شده» حذف گردید. دلیل این حذف، پایینتر بودن

ضریب بار عاملی این گویه (۰.۶۲۴) در مقایسه با سایر گویه‌های این متغیر بود. پس از حذف این گویه، ضریب آلفای کرونباخ و روایی همگرا به بالای ۰.۷ رسید. به علاوه ضریب بار عاملی همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۴ می‌باشد.

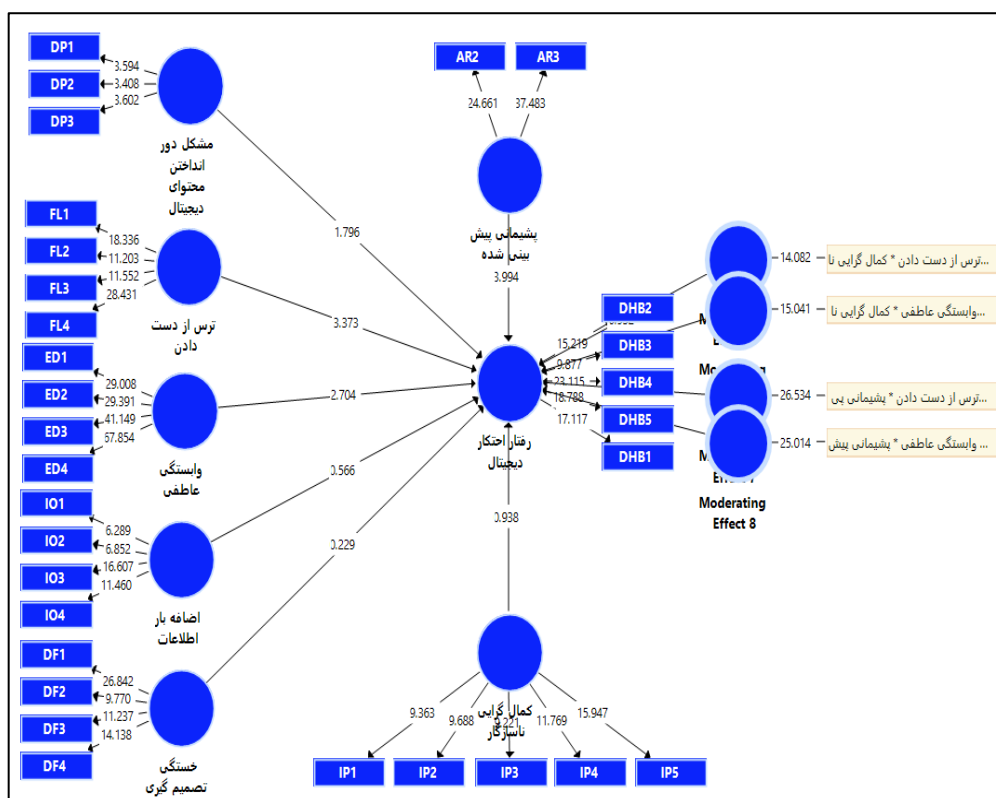
روایی واگرا به روش فورنل و لاکر

• جدول ۷: ماتریس فورنل و لاکر

کمال گرایی ناسازگار	پشیمانی پیش‌بینی شده	وابستگی عاطفی	مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال	رفتار احتکار دیجیتال	خستگی تصمیم‌گیری	ترس از دست دادن	اضافه بار اطلاعات
							اضافه بار اطلاعات
							ترس از دست دادن
					۰.۷۸۳	۰.۵۳۰	۰.۷۳۰
				۰.۷۲۳	۰.۳۱۲	۰.۴۶۰	۰.۲۵۵
			۰.۹۲۷	۰.۱۱۰	۰.۰۰۹	۰.۰۵۵	۰.۰۹۵
		۰.۸۶۹	۰.۰۳۵	۰.۴۷۳	۰.۵۱۵	۰.۵۵۷	۰.۴۷۲
	۰.۸۹۸	۰.۴۶۵	۰.۰۲۵	۰.۴۶۲	۰.۴۰۷	۰.۳۲۸	۰.۳۹۰
۰.۷۷۸	۰.۳۸۲	۰.۴۹۶	۰.۰۷۶-	۰.۲۷۳	۰.۶۷۵	۰.۵۱۷	۰.۵۹۲

با توجه به نتایج مقدار جذر AVE متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، متغیرهای پنهان در مدل، تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با متغیرهای دیگر.

در ادامه برازش مدل ساختاری بررسی می‌شود. شکل ۲ ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) را نشان می‌دهد.



شکل ۲: مقادیر t-values

۵- آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه گیری، به آزمون و بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. نتایج فرضیه‌ها در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸ نتایج فرضیه‌ها

فرضیه‌ها	ضریب مسیر	انحراف معیار	آماره T	سطح معناداری
مشکل دور انداختن محتوای دیجیتال بر رفتار احتکار دیجیتال	۰.۱۰۴	۰.۰۶۰	۱.۷۲۵	۰.۰۸۵
ترس از دست دادن بر رفتار احتکار دیجیتال	۰.۲۹۵	۰.۰۹۶	۳.۰۶۸	۰.۰۰۲
وابستگی عاطفی بر رفتار احتکار دیجیتال	۰.۲۳۹	۰.۰۸۷	۲.۷۳۷	۰.۰۰۶
اضافه بار اطلاعات بر رفتار احتکار دیجیتال	-۰.۰۴۹	۰.۰۹۲	۰.۵۲۸	۰.۵۹۸
خستگی تصمیم‌گیری بر رفتار احتکار دیجیتال	۰.۰۱۹	۰.۱۰۹	۰.۱۷۵	۰.۸۶۱
ترس از دست دادن * پشیمانی پیش‌بینی شده بر رفتار احتکار دیجیتال	۱.۲۳۰	۰.۰۵۲	۲۳.۸۳۶	۰.۰۰۰
وابستگی عاطفی * پشیمانی پیش‌بینی شده بر رفتار احتکار دیجیتال	۱.۱۴۴	۰.۰۴۳	۲۶.۳۵۶	۰.۰۰۰
ترس از دست دادن * کمال‌گرایی ناسازگار بر رفتار احتکار دیجیتال	۱.۴۱۴	۰.۰۹۸	۱۴.۴۱۶	۰.۰۰۰
وابستگی عاطفی * کمال‌گرایی ناسازگار بر رفتار احتکار دیجیتال	۱.۲۶۸	۰.۰۸۲	۱۵.۵۱۳	۰.۰۰۰

فرضیه اول. مشکل دورانداختن محتوای دیجیتال اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال افراد دارد.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر مشکل دورانداختن محتوای دیجیتال بر رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (Z) کمتر از ۱/۹۶ و برابر ۱.۷۲۵ بوده است و می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری در این مسیر برقرار نمی‌باشد. در نتیجه این فرضیه مورد قبول واقع نشده است.

فرضیه دوم. ترس از دست‌دادن اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال افراد دارد.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر ترس از دست دادن بر رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (Z) بیشتر از ۱/۹۶ و برابر ۳.۰۶۸ بوده است و همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر (۰.۲۹۵) می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری در این مسیر با سطح اطمینان ۹۵٪ برقرار می‌باشد. در نتیجه این فرضیه مورد قبول واقع شده است. این نتیجه کاملاً با یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله ما و همکاران (۲۰۲۲) همسو است؛ آنان در مطالعه‌ای بر کاربران شبکه‌های اجتماعی تأکید کردند که ترس از دست دادن (FOMO) یکی از محرک‌های اصلی در رفتارهای انباشت گرایانه دیجیتال است، زیرا کاربران نگران از دست دادن فرصت‌ها، پیام‌ها، یا داده‌های مهم هستند. همچنین تاندون و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که اضطراب ناشی از احتمال عدم دسترسی

مجدد به داده‌ها، افراد را به سمت ذخیره‌سازی افراطی اطلاعات سوق می‌دهد. ترس از دست دادن اطلاعات، به‌عنوان یک متغیر روان‌شناختی، می‌تواند رفتار کاربران پلتفرم‌های دیجیتال، سامانه‌های خرید آنلاین و سیستم‌های ذخیره‌سازی ابری را به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد. رفتار احتکار دیجیتال در این بسترها، نه تنها باعث افزایش بار اطلاعاتی و کاهش کارآمدی سیستم‌های مدیریت داده می‌شود، بلکه می‌تواند بر تجربه کاربری، تصمیم‌گیری مشتریان و حتی اثربخشی استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال نیز اثر منفی داشته باشد.

فرضیه سوم. وابستگی عاطفی اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال افراد دارد.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر وابستگی عاطفی بر رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) بیشتر از $1/96$ و برابر 2.737 بوده است و همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر (0.239) می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری در این مسیر با سطح اطمینان 95% برقرار می‌باشد. در نتیجه این فرضیه مورد قبول واقع شده است. این نتیجه با مطالعات پیشین از جمله لکسون و همکاران (2019) و سویتن و همکاران (2018) کاملاً هم‌راستا است. این پژوهش‌ها نشان دادند که کاربران به‌ویژه در مواجهه با تصاویر، پیام‌ها یا فایل‌هایی که دارای بار احساسی یا یادآور خاطرات گذشته هستند، به دلیل دلبستگی عاطفی، تمایل به حفظ آن‌ها دارند؛ حتی اگر کاربرد واقعی و کنونی برای آن‌ها وجود نداشته باشد. در مطالعه یاپ و گریشام (2019) نیز وابستگی عاطفی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی احتکار دیجیتال شناسایی شده و نشان داده شد که احساساتی همچون غرور، لذت، ترس از فراموشی و حس تعلق، از دلایل نگهداری فایل‌های بی‌استفاده در فضای دیجیتال است.

از منظر نظری، این یافته در چارچوب مدل شناختی رفتاری اختلال احتکار و نظریه دلبستگی به دارایی‌ها قابل تحلیل است. این نظریه‌ها بیان می‌کنند که رفتار احتکار نه به دلیل نیاز واقعی، بلکه به‌واسطه ارزش ذهنی و عاطفی داده‌ها شکل می‌گیرد. در فضای دیجیتال، این ارزش می‌تواند به فایل‌های شخصی، مکاتبات قدیمی، عکس‌های یادگاری یا حتی سوابق ارتباطی نسبت داده شود.

فرضیه چهارم. اضافه‌بار اطلاعات اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال افراد دارد.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر اضافه‌بار بر رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) کمتر از $1/96$ و برابر 0.528 بوده است و می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری در این مسیر برقرار نمی‌باشد. در نتیجه این فرضیه مورد قبول واقع نشده است. این یافته در تضاد با برخی از پژوهش‌های پیشین از جمله مطالعات میسرا و همکاران (2020) و مرت و همکاران (2023) قرار دارد. یکی از دلایل احتمالی، برخورداری بخشی از پاسخ‌دهندگان از مهارت‌های مدیریت دیجیتال یا تجربه در سامان‌دهی اطلاعات است که باعث شده علیرغم تجربه اضافه‌بار اطلاعات، دچار رفتارهای احتکار گرایانه نشوند.

فرضیه پنجم. خستگی تصمیم‌گیری اثر مثبت و معناداری بر رفتار احتکار دیجیتال افراد دارد.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر خستگی تصمیم‌گیری بر رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) کمتر از $1/96$ و برابر 0.175 بوده است و همچنین با توجه به پایین بودن ضریب مسیر (0.019) می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری در این مسیر برقرار نمی‌باشد. در نتیجه این فرضیه مورد قبول واقع نشده است. این نتیجه با یافته‌های برخی از پژوهش‌های پیشین از جمله فاو سان (2023) و پیگناتیلو و همکاران (2020) متفاوت است. آن پژوهش‌ها نشان داده بودند که خستگی شناختی ناشی از تصمیم‌گیری‌های مکرر، افراد را به اجتناب از فعالیت‌های سازمان‌دهی و حذف اطلاعات سوق می‌دهد و این امر به انباشت داده‌های غیرضروری و بروز رفتار احتکار دیجیتال منجر می‌شود. با این حال، در چارچوب پژوهش حاضر، می‌توان عدم معناداری این رابطه را

با ملاحظات هم چون تفاوت های فرهنگی، ویژگی های جمعیت شناختی نمونه یا سطح آشنایی کاربران با ابزارهای مدیریت اطلاعات دیجیتال تبیین کرد. به عنوان نمونه، ممکن است افراد حاضر در این پژوهش از تجربه یا مهارت کافی در اولویت بندی اطلاعات و استفاده از سامانه های دیجیتال پشتیبان تصمیم گیری برخوردار بوده باشند؛ امری که می تواند از شدت خستگی شناختی کاسته و نقش آن را در بروز رفتار احتکار گرایانه تضعیف کند.

فرضیه ششم. پشیمانی پیش بینی شده رابطه بین ترس از دست دادن و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تعدیل می کند.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر تعدیل گر پشیمانی پیش بینی شده در رابطه ی بین ترس از دست دادن و رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) بیشتر از ۱/۹۶ و برابر ۲۳.۸۳۶ بوده است و همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر (۱.۲۳۰) می توان نتیجه گرفت پشیمانی پیش بینی شده رابطه بین ترس از دست دادن و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تقویت می کند.

فرضیه هفتم. پشیمانی پیش بینی شده رابطه بین وابستگی عاطفی و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تعدیل می کند.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر تعدیل گر پشیمانی پیش بینی شده در رابطه بین وابستگی عاطفی و رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) بیشتر از ۱/۹۶ و برابر ۲۶.۳۵۶ بوده است و همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر (۱.۱۴۴) می توان نتیجه گرفت وابستگی عاطفی کاربران به محتوای دیجیتال، مانند تصاویر خانوادگی، پیام های خاطره انگیز یا فایل های شخصی، به تنهایی می تواند یکی از عوامل زمینه ساز در رفتار احتکار دیجیتال باشد؛ اما زمانی که این وابستگی با پیش بینی ذهنی از پشیمانی احتمالی همراه شود، شدت بروز این رفتار به طور محسوسی افزایش می یابد. به بیان دیگر، کاربران در مواجهه با فایل هایی که دارای بار هیجانی هستند، اگر هم زمان انتظار پشیمانی از حذف را نیز تجربه کنند، به احتمال زیاد دست به نگهداری افراطی اطلاعات می زنند. فایل هایی با ارزش عاطفی بالا، در ذهن کاربران با مفاهیمی مانند هویت شخصی، خاطره یا تعلق روانی گره خورده اند، و حذف آن ها در حکم از دست دادن بخشی از تجربه فردی تلقی می شود. در چنین شرایطی، پیش بینی پشیمانی ناشی از حذف می تواند نقش تشدید کننده ای در شکل گیری رفتار احتکار دیجیتال ایفا کند.

از منظر نظری نیز، این رابطه در قالب نظریه رفتار برنامه ریزی شده آجزن و نظریه پشیمانی لومز و ساگدن (۱۹۸۲) قابل تحلیل است. مطابق این نظریه ها، افراد برای اجتناب از احساس پشیمانی یا از دست دادن فرصت ها، دست به رفتارهای احتیاطی از جمله انباشت اطلاعات می زنند. همچنین یافته های پژوهش حاضر با نتایج مطالعه نیاوه و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد. آن ها گزارش کردند که کاربران فایل های دیجیتال را صرفاً به دلیل نگرانی از نیاز آتی یا ترس از حذف اطلاعات مهم نگه می دارند، که این رفتار در بلندمدت منجر به آشفته گی دیجیتال می شود.

فرضیه هشتم. کمال گرایی ناسازگار رابطه بین ترس از دست دادن و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تقویت می کند.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر تعدیل گر کمال گرایی ناسازگار در رابطه بین ترس از دست دادن و رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) بیشتر از ۱/۹۶ و برابر ۱۴.۴۱۶ بوده است و همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر (۱.۴۱۴) می توان نتیجه گرفت کمال گرایی ناسازگار رابطه بین ترس از دست دادن و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تقویت می کند. در واقع، ترکیب دو عامل روان شناختی، یعنی اضطراب از دست دادن فرصت های دیجیتال و ناتوانی در پذیرش تصمیم های ناقص، زمینه ساز واکنش های رفتاری شدیدتری مانند ذخیره سازی افراطی داده ها و اجتناب از حذف اطلاعات می شود. کمال گرایان ناسازگار اغلب تمایلی به تصمیم گیری در شرایط نامطمئن ندارند و حذف فایل ها را نه به عنوان یک اقدام عادی، بلکه به عنوان تصمیمی پرریسک و

بالقوه پشیمان‌کننده تلقی می‌کنند. زمانی که این ذهنیت با ترس از دست دادن داده‌ها ترکیب شود، فرد تمایل می‌یابد کلیه اطلاعات را نگهدارد تا مبادا بعدها حس فقدان، اشتباه یا پشیمانی را تجربه کند.

فرضیه نهم. کمال گرایی ناسازگار رابطه بین وابستگی عاطفی و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تعدیل می‌کند.

همانطور که در جدول مشخص است در مسیر تأثیر تعدیل گر کمال گرایی ناسازگار در رابطه بین وابستگی عاطفی و رفتار احتکار دیجیتال، مقدار آماره آزمون (ضریب Z) بیشتر از ۱/۹۶ و برابر ۱۵.۵۱۳ بوده است و همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر (۱.۲۶۸) می‌توان نتیجه گرفت که کمال گرایی ناسازگار رابطه بین وابستگی عاطفی و رفتار احتکار دیجیتال افراد را تقویت می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که در میان افرادی که سطح بالایی از کمال گرایی ناسازگار دارند، وابستگی عاطفی به فایل‌ها و محتوای دیجیتال تأثیر شدیدتری بر شکل‌گیری رفتار احتکار دیجیتال دارد. به بیان دیگر، در ذهن افراد کمال‌گرا، فایل‌های دیجیتال دارای بار احساسی، نه صرفاً داده، بلکه بخشی از هویت شخصی، خاطره یا ارزش روان‌شناختی تلقی می‌شوند. در چنین شرایطی، حذف این فایل‌ها می‌تواند به عنوان تهدیدی برای «تمامیت روانی» یا «امنیت عاطفی» فرد درک شود. استوبر و اتو (۲۰۰۶) نیز نشان داده‌اند که افراد کمال‌گرا به‌منظور جلوگیری از بروز احساسات منفی مانند پشیمانی، گناه یا حس فقدان، به رفتارهای حفظ‌گرایانه و غیرمنطقی در مواجهه با اطلاعات شخصی گرایش پیدا می‌کنند.

قابل ذکر است با توجه به عدم تایید رابطه بین مشکل دور انداختن، اضافه بار اطلاعاتی و خستگی تصمیم‌گیری بر رفتار احتکار دیجیتال، بررسی نقش تعدیل گر پشیمانی درک شده و کمال گرایی ناسازگار در رابطه آنها دیگر معنا نداشت و فرضیه‌های مربوطه از ادامه تحلیل حذف شدند.

نتیجه‌گیری کلی

نتایج تأکید کردند که ترس از دست دادن (FOMO) یکی از محرک‌های اصلی در رفتارهای انباشت‌گرایانه دیجیتال است، زیرا کارکنان نگران از دست دادن فرصت‌ها، پیام‌ها، یا داده‌های مهم هستند. همچنین اضطراب ناشی از احتمال عدم دسترسی مجدد به داده‌ها، افراد را به سمت ذخیره‌سازی افراطی اطلاعات سوق می‌دهد. ترس از دست دادن اطلاعات، به‌عنوان یک متغیر روان‌شناختی، می‌تواند رفتار کاربران پلتفرم‌های دیجیتال، سامانه‌های خرید آنلاین و سیستم‌های ذخیره‌سازی ابری را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. رفتار احتکار دیجیتال در این بسترها، نه تنها باعث افزایش بار اطلاعاتی و کاهش کارآمدی سیستم‌های مدیریت داده می‌شود، بلکه می‌تواند بر تجربه کاربری، تصمیم‌گیری مشتریان و حتی اثربخشی استراتژی‌های بازاریابی دیجیتال نیز اثر منفی داشته باشد. وابستگی عاطفی به داده‌ها می‌تواند بر رفتار کاربران در پلتفرم‌های ذخیره‌سازی ابری، شبکه‌های اجتماعی، سامانه‌های پشتیبان‌گیری، و حتی تصمیم‌گیری‌های خرید در فضای آنلاین تأثیرگذار باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که کمال گرایی ناسازگار رابطه بین ترس از دست دادن و وابستگی عاطفی با رفتار احتکار دیجیتال را به‌صورت معناداری تعدیل می‌کند. این یافته از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های کاربران درباره حذف یا نگهداری اطلاعات، تنها متأثر از ویژگی‌های منطقی یا عملکردی سیستم نیست، بلکه ترکیبی از ابعاد شناختی، عاطفی و ویژگی‌های شخصیتی مانند کمال گرایی ناسازگار نیز در آن نقش دارد. این موضوع بر لزوم تحلیل رفتار مصرف‌کننده دیجیتال بر مبنای سازوکارهای ذهنی درونی و تعامل آن با فشارهای محیط دیجیتال تأکید دارد.

پیشنهادهای کاربردی بر مبنای نتایج پژوهش

به مدیران IT و طراحان و مهندسان داده پیشنهاد می‌شود در طراحی سیستم‌های ذخیره‌سازی ابری، ارائه گزینه «حذف هوشمند با قابلیت بازگردانی زمان‌دار» را در نظر بگیرند چرا که می‌تواند بخشی از استراتژی تجربه کاربری، باشد که با کاهش ریسک ادراک‌شده، نرخ تصمیم‌گیری برای حذف را افزایش می‌دهد. همچنین استفاده از پیام‌های انگیزشی مبتنی بر «ارزش ذهنی نظم دیجیتال» در لحظه حذف فایل، می‌تواند در راستای مدل ارزش ادراک‌شده، به کاهش رفتارهای اجتنابی کاربران منجر شود.

خلاقیت‌هایی همچون توسعه داشبوردهای گرافیکی تصمیم‌یار، که اطلاعات مربوط به حجم فایل، سن داده و بی‌استفاده‌بودن را نشان دهند، مصداق طراحی مبتنی بر داده، در پلتفرم‌های دیجیتال است که رفتار پاک‌سازی را تسهیل می‌کند. قابلیت یادآوری بازبینی پوشه‌های قدیمی که مدت‌زمان طولانی استفاده نشده‌اند، نوعی طراحی مبتنی بر زمان‌بندی برای کمک به پاک‌سازی تدریجی داده‌هاست پیاده‌سازی قابلیت برچسب‌گذاری فایل‌ها با معیارهای احساسی-کارکردی، با هدف تسهیل طبقه‌بندی ذهنی و ایجاد معماری اطلاعاتی شخصی‌سازی‌شده، منجر به کاهش بار شناختی در تصمیم‌گیری کاربران خواهد شد.

در حوزه پژوهش نیز پیشنهاد میشود همکاری بین طراحان محصول دیجیتال و متخصصان روان‌شناسی رفتاری برای تحلیل و شناسایی الگوهای احتکارگرایانه، در راستای طراحی سیستم‌های هوشمند صورت گیرد. آموزش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی همچون کمپین‌های اطلاع‌رسانی عمومی با رویکرد «مدیریت دارایی دیجیتال» می‌تواند نوعی برندینگ اجتماعی حول نظم دیجیتال ایجاد کند. اخذ تست‌های خودارزیابی در محیط‌های دیجیتال جهت سنجش میزان کمال‌گرایی ناسازگار، نیز کاربرد داده‌های روان‌شناختی برای شخصی‌سازی مداخلات رفتاری در سطح فردی است.

در راستای مسئولیت اجتماعی سازمانها، آموزش می‌تواند فراتر از سازمان بوده و با آموزش نظم اطلاعات دیجیتال به دانشجویان و دانش‌آموزان، توسعه سواد داده‌ای، در نسل آینده مصرف‌کنندگان دیجیتال را هدف گیرند و زمینه‌ساز رفتارهای بهینه در بازار دیجیتال آینده شوند.

منابع

1. Ahmad, T., Alvi, A., & Ittefaq, M. (۲۰۱۹). The use of social media on political participation among university students: An analysis of survey results from rural Pakistan. *Sage Open*, ۹(۳), ۲۱۵۸۲۴۴۰۱۹۸۶۴۴۸۴
2. Bardakhchyan, V. G., & Allahverdyan, A. E. (۲۰۲۳). Regret theory, Allais' paradox, and Savage's omelet. *Journal of Mathematical Psychology*, ۱۱۷, ۱۰۲۸۰۷
3. Cialdini, R. B., Reno, R. R., & Kallgren, C. A. (۱۹۹۰). A focus theory of normative conduct: Recycling the concept of norms to reduce littering in public places. *Journal of personality and social psychology*, ۵۸(۶), ۱۰۱۵
4. Fu, H., & Sun, Y. (۲۰۲۳). Understanding digital hoarding behaviors of social media users from a stress coping perspective.
5. Hwang, J., & Zhang, Y. (۲۰۱۸). The impact of social media on consumer behavior: A study of Instagram users in the fashion industry. *International Journal of Consumer Studies*, ۴۲(۲), ۱۷۹-۱۸۸.
6. Kahn, B. E., & Isen, A. M. (۱۹۹۳). The influence of positive affect on variety seeking among safe, enjoyable products. *Journal of consumer research*, ۲۰(۲), ۲۵۷-۲۷۰
7. Kessler, R. C., Berglund, P., Demler, O., Jin, R., Merikangas, K. R., & Walters, E. E. (۲۰۰۵). "Lifetime prevalence and age-of-onset distributions of DSM-IV disorders in the National Comorbidity Survey replication": *Erratum*.
8. Kim, K. H., & Kim, E. Y. (۲۰۲۰). Fashion marketing trends in social media and sustainability in fashion management. *Journal of Business Research*, ۱۱۷, ۵۰۸-۵۰۹

9. Ma, J. P., Wang, C. X., & Ye, Y. (۲۰۲۲). Development and validation of fear of missing out scale among Chinese college students. *Current Psychology*, ۴۱(۱۲), ۸۶۲۵-۸۶۳۴
10. Mataix-Cols, D. (۲۰۱۴). Hoarding disorder. *New England Journal of Medicine*, ۳۷۰(۲۱), ۲۰۲۳-۲۰۳۰
11. McKay, D., & Kennedy, K. A. (۲۰۱۸). Obsessions and Compulsions. Child and Adolescent Psychotherapy: Components of Evidence-Based. *Treatments for Youth and their Parents*, ۱۷۳
12. Moscote-Salazar, L. R., Florez-Perdomo, W. A., Pacheco-Hernandez, A. I., & Janjua, T. (۲۰۲۳). Decision Fatigue and Neurosurgeons' Clinical Decision Making: An Enemy in the Shadow. *Indian Journal of Neurotrauma*, ۲۰(۰۲), ۱۵۷-۱۵۸
13. Neave, N., Briggs, P., McKellar, K., & Sillence, E. (۲۰۱۹). Digital hoarding behaviours: Measurement and evaluation. *Computers in Human Behavior*, ۹۶, ۷۲-۷۷
14. Neiterman, E., & Zaza, C. (۲۰۱۹). A Mixed Blessing? Students' and Instructors' Perspectives about Off-Task Technology Use in the Academic Classroom. *Canadian Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, ۱۰(۱), n.۱
15. Neumann, D. (۲۰۲۰). Fear of missing out. *The international encyclopedia of media psychology*, ۱-۹
16. Oravec, J. A. (۲۰۱۸). Digital (or virtual) hoarding: emerging implications of digital hoarding for computing, psychology, and organization
17. Pang, H., & Ruan, Y. (۲۰۲۳). Can information and communication overload influence smartphone app users' social network exhaustion, privacy invasion and discontinuance intention? A cognition-affect-conation approach. *Journal of Retailing and Consumer Services*, ۷۳, ۱۰۳۳۷۸
18. Raghunathan, R., & Irwin, J. R. (۲۰۰۱). Walking the hedonic product treadmill: Default contrast and mood-based assimilation in judgments of predicted happiness with a target product. *Journal of Consumer Research*, ۲۸(۳), ۳۵۵-۳۶۸
19. Steketee, G., Frost, R. O., & Kyrios, M. (۲۰۰۳). Cognitive aspects of compulsive hoarding. *Cognitive Therapy and Research*, ۲۷, ۴۶۳-۴۷۹
20. Stoeber, J., & Otto, K. (۲۰۰۶). Positive conceptions of perfectionism: Approaches, evidence, challenges. *Personality and social psychology review*, ۱۰(۴), ۲۹۵-۳۱۹
21. Tandoc Jr, E. C., & Kim, H. K. (۲۰۲۳). Avoiding real news, believing in fake news? Investigating pathways from information overload to misbelief. *Journalism*, ۲۴(۶), ۱۱۷۴-۱۱۹۲.
22. Tandon, A., Dhir, A., Islam, N., Talwar, S., & Mäntymäki, M. (۲۰۲۱). Psychological and behavioral outcomes of social media-induced fear of missing out at the workplace. *Journal of Business Research*, ۱۳۶, ۱۸۶-۱۹۷
23. Timpano, K. R., et al. (۲۰۱۰). "The Role of Trauma in Hoarding Disorder". *Cognitive Therapy and Research*, ۳۴(۴), ۴۵۵-۴۶۷.
24. Tolin, D. F., Frost, R. O., & Steketee, G. (۲۰۱۰). A brief interview for assessing compulsive hoarding: the Hoarding Rating Scale-Interview. *Psychiatry research*, ۱۷۸(۱), ۱۴۷-۱۵۲
25. Thorpe, S., Bolster, A., & Neave, N. (۲۰۱۹). Exploring aspects of the cognitive behavioural model of physical hoarding in relation to digital hoarding behaviours. *Digital health*, ۵, ۲۰۵۵۲۰۷۶۱۹۸۸۲۱۷۲
26. Turel, O., & Serenko, A. (۲۰۱۲). The benefits and dangers of enjoyment with social networking websites. *European Journal of Information Systems*, ۲۱(۵), ۵۱۲-۵۲۸
27. van Bennekom, M. J., Blom, R. M., Vulink, N., & Denys, D. (۲۰۱۵). A case of digital hoarding. *BMJ case reports*, ۲۰۱۵, bcr۲۰۱۵۲۱۰۸۱۴.
28. Voini, N., Shankar, A., Mehrotra, A., Kumar, J., & Azad, N. (۲۰۲۴). Enablers and inhibitors of digital hoarding behaviour. An application of dual-factor theory and regret theory. *Journal of Retailing and Consumer Services*, ۷۷, ۱۰۳۶۴۵
29. Vitale, F., Janzen, I., & McGrenere, J. (۲۰۱۸, April). Hoarding and minimalism: Tendencies in digital data preservation. In *Proceedings of the ۲۰۱۸ CHI Conference on Human Factors in Computing Systems* (pp. ۱-۱۲).
30. Vohs, K. D., Baumeister, R. F., & Tice, D. M. (۲۰۰۸). Self-regulation: Goals, consumption, and choices.

31. Wansink, B., van Ittersum, K., & van der Lans, I. A. (۲۰۰۷). The influence of the number of items on the likelihood of purchase: Evidence from a field experiment in a supermarket setting. *Journal of Marketing Research*, ۴۴(۳), ۳۵۳-۳۶۳
32. Yang, W., Morita, N., Zuo, Z., Kawaida, K., Ogai, Y., Saito, T., & Hu, W. (۲۰۲۱). Maladaptive perfectionism and internet addiction among Chinese college students: a moderated mediation model of depression and gender. *International journal of environmental research and public health*, ۱۸(۵), ۲۷۴۸
33. Yap, K., & Grisham, J. R. (۲۰۱۹). Unpacking the construct of emotional attachment to objects and its association with hoarding symptoms. *Journal of behavioral addictions*, ۱(۲), ۲۴۹-۲۵۸
34. Yus, F. (۲۰۱۷). Contextual constraints and non-propositional effects in WhatsApp communication. *Journal of pragmatics*, ۱۱۴, ۶۶-۸۶

1 Zaremohzzabieh

2 Thorpe

3 van Bennekom

4 Yus

5 Oravec

6 Vinois

7 Neave

8 Timpano

9 Bardakhchyan & Allahverdyan

10 Hoarding Disorder

11 Tolin

12 Vohs

1313 Stoeber & Otto

14 Zeelenberg

15 Turel & Serenko

16 Kim & Kim

17 Cialdini

18 Wansink

19 Hwang & Zhang

20 Kahn & Isen

21 Raghunathan & Irwin

22 Ahmad

23 Digital hoarding behavior

24 Vitale

25 Pang

26 Neiterman & zaza

27 McKay & Kennedy

28 Mataix-Cols

29 Kessler

30 Steketee & Frost

31 The problem of disposing of digital content

32 Fear of Missing out

-
- 33 Neumann
 - 34 Tandon
 - 35 Ma
 - 36 Emotional attachment
 - 37 Yap & Grisham
 - 38 Information overload
 - 39 Tandoc
 - 40 Decision fatigue
 - 41 Moscote
 - 42 Fu & Sun
 - 43 Regret Theory
 - 44 Loomes & Sugden
 - 45 Perfectionism theory
 - 46 Yang

A study of digital hoarding behavior among employees of organizations with emphasis on the role of maladaptive perfectionism and anticipated regret

Mohammad Sanei¹, Mojgan Bahrami^{2*}, Naser Khani³

1- Department of Management, Hashtbehesht Higher Education Institute, Isfahan, Iran.

2- Department of Management, Na. C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author). Email: Mojgan.bahrami@iau.ac.ir

3- Department of Management, Na. C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Abstract

With technological advancements and the decreasing costs of data storage, individuals increasingly accumulate and retain various forms of digital content (emails, photos, videos, documents, etc.). While the psychological characteristics of physical hoarding behaviors have been extensively studied, digital hoarding behavior remains comparatively underexplored. This study aims to investigate the factors influencing digital hoarding behavior and the moderating roles of maladaptive perfectionism and anticipated regret. The statistical population comprised employees of governmental organizations in Isfahan; data were collected from 204 participants using standardized questionnaires whose validity and reliability were confirmed. Data analysis using SPSS and SmartPLS revealed that fear of loss and emotional attachment to data have a positive and significant impact on digital hoarding. However, difficulty discarding data, information overload, and decision fatigue alone did not demonstrate significant relationships. Incorporating the two moderating variables—maladaptive perfectionism and anticipated regret—strengthened the effects of all aforementioned factors on digital hoarding behavior. Findings indicate that concerns about regret and inclination toward perfectionistic decision-making play a critical role in digital hoarding, which stems from anxiety over deleting information, fear of potential data loss, and chronic decisional uncertainty. These results highlight the necessity for digital literacy education and the development of effective decision-making strategies.

Keywords: Digital hoarding, maladaptive perfectionism, anticipated regret.